



اتحاد عمل سوسیالیستی ، راهکار جنبش دانشجویی!

کمپین بین المللی
دفاع از کارگران ایران:

کارگران ایران تنها
نیستند!

صفحه ۲



انجمن های

غیردولتی و

مدافعین آن ها!

از آخرین شماره ی منتشر شده ی جوان سوسیالیست تا کنون تحولات بسیاری رخ داده است. تحولاتی که گمان می رود پیامد آن تغییر وضعیت به سود طبقه ی کارگر باشد.

اعتصابات رو به افزایش کارگران در سراسر ایران و پیروزی برخی از آنان (مانند شاهر کردستان) و گردش به چپ جوانان ایران، به خصوص دانشجویان، که به لیبرالیسم و نئولیبرالیسم پشت پا زده اند؛ همه و همه حکایت از توانایی کمونیست ها برای رقم زدن آینده ای متفاوت، در ایران دارد.

در این میان ، گرایشاتی در بین جوانان و دانشجویان به چشم می خورد که سعی دارند تمامی آنچه را که در ماه های اخیر در دانشگاه ها و... رخ داده است را به نام خود نهند. اینان گمان می کنند که تغییر توازن قوا در میان جوانان، صرفاً، مرهون تلاش های بی شائبه و حرکت های به اصطلاح مستقل ایشان است!

این موضوع می تواند سرآغازی باشد برای پیدایش انحرافی به نام سکتاریسم یا فرقه گرایی در بین جوانان سوسیالیست. انحرافی که هم اکنون نیز در میان برخی از تشکل های کارگری موجود در ایران بیداد می کند و آنان را حتی از حمایت از خویش نیز محروم ساخته است!

شاید خیر مربوط به کمپین بین المللی دفاع از کارگران ایران را که تحت عنوان «کارگران ایران تنها نیستند» آغاز به فعالیت کرد، را شنیده باشید. این کمپین در واقع اتحاد عملی بود (و نه وحدت یا ائتلاف سیاسی!) از گرایشات و جریان های مختلف سیاسی چپ ایران بر سر موضوعاتی که مورد قبول و خواست همه ی شرکت کنندگان و حمایت کنندگان آن بود. گرایشاتی (چه از درون ایران و چه از خارج از آن) بودند که این حرکت را حمایت نکرده و آن را هیاهوی ژورنالیستی و تبلیغاتی عده ای خاص برای ترویج فرقه ی خود و یا به پای سرمایه داری افتادن می دانستند. حتی برخی پا را از این فراتر نهاده و آن را تعیین تکلیف و قیم مآبی برای طبقه ی کارگر به حساب آوردند. این گرایشات در نهایت منزوی شده و در آینده نیز منزوی تر خواهند شد!

اما نکته ای که در این میان قابل توجه و لازم به ذکر به نظر می رسد، این است که این حرکت می تواند الگوی بسیار مناسبی برای دانشجویان و جوانان سوسیالیست ایران باشد. اتحاد عملی در حمایت از کارگران ایران شکل گرفت و پیروز شد. چرا جوانان کمونیست ایران نتوانند در چنین اتحاد عملی مقصود مشترک خویش را، در فضای درونی دموکراتیک و با حق حفظ گرایش به پیش ببرند؟

آخرین اطلاعیه ی کمپین بین المللی دفاع از کارگران ایران:
(شماره ی ۱۲)

کارگران ایران تنها نیستند!

برای حمایت از کارگران و زحمتکشان ایران در مقابل تهاجمات و حملات حامیان سرمایه‌داری جمهوری اسلامی ایران، به حقوق اولیه دموکراتیک؛ ما امضا کنندگان زیر با ترتیب و سازماندهی و برگزاری هفته حمایت از کارگران ایران با صدای رسا اعلام می‌کنیم: «کارگران ایران تنها نیستند!» هدف ما حمایت از کارگران و زحمتکشان ایران است که مورد ارباب و توهین و کشتار سرکوبگران نظام سرمایه‌داری قرار گرفته‌اند.

ما خواهان تحقق نکات زیر هستیم:

* احقاق تمام مطالبات کارگری از جمله حق اعتصاب؛ حق ایجاد تشکل مستقل کارگری؛ حق بیان و تجمع و ...

* پایان بخشیدن به تمام حملات فیزیکی، دستگیری‌ها؛ کشتار و شکنجه کارگران و زحمتکشان در کارخانه‌ها و شهرهای کردستان؛

* آزادی بدون قید و شرط تمام زندانیان سیاسی.

در هفته حمایت از کارگران و زحمتکشان ما در سطح بین‌المللی در هر کشوری که ساکن باشیم، نسبت به توان و امکانات و نیروی خود در اشکال مختلفی نظیر تظاهرات در مقابل سفارتخانه‌ها و کنسولگری‌های دولت جمهوری اسلامی یا هر مکان مناسب دیگر، ترتیب جلسات به زبان‌های محلی، مصاحبه‌های رادیویی و تلویزیونی و مطبوعاتی، جمع‌آوری کمک مالی برای کارگران،

مراجعه به اتحادیه‌های کارگری برای جلب حمایت و همبستگی و غیره، اقدام خواهیم کرد. ما وسیع‌ترین حمایت و همبستگی کارگری را در سطح جهانی را در دفاع از کارگران ایران جلب خواهیم داد.

دوستان، هم طبقه‌ای‌ها و رفقا این اطلاعیه را امضا کنید و سازماندهی بین‌المللی در حمایت از کارگران و زحمتکشان را با هم آغاز کنیم.

هفته اول ماه اکتبر را به هفته حمایت از کارگران و زحمتکشان ایران مبدل کنیم. بگذاریم صدای کارگران و نیروهای مترقی جهان در هر کارخانه و محل کارگری و شهرهای کردستان شنیده شود که:

«کارگران ایران تنها نیستند!»

هماهنگ کنندگان:

- کمیته خارج کشور حزب کمونیست ایران
- اتحادیه سوسیالیست‌های انقلابی ایران
- سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) کمیته خارج کشور
- شبکه همبستگی کارگری
- اتحاد چپ کارگری ایران
- کمیته هماهنگی هفته همبستگی با کارگران ایران - استکهلم
- جمعی از کارگران پیشرو تبعیدی - سوئیس
- اتحادیه ایرانیان سوسیالیست - آمریکای شمالی
- اتحاد چپ ایرانیان واشنگتن - آمریکا
- همبستگی سوسیالیستی با کارگران ایران - پاریس
- انجمن کارگری جمال چراغ ویسی Committee for a Marxist -International

انجمن‌های غیردولتی و مدافعین آن!

پس از انتخاب محمد خاتمی در سال ۱۳۷۶ به عنوان رییس جمهور، روند پیوستن تدریجی ایران به بازار جهانی سرمایه و قرار گرفتن در پروسه ی جهانی سازی یا گلوبالیزاسیون، دارای شتابی دو چندان شد.

در پی آن و برای جلب اطمینان کشورهای اروپایی، رژیم مجبور به دادن یک سری آزادی‌های دموکراتیک و اولیه در چهارچوب نظام سرمایه داری شد که حاصل آن رشد شدید و البته کوتاه و مقطعی اصلاح طلبی در میان جوانان بود.

این آزادی‌ها، عملاً فضای برخی انتقادات آرام و سطحی از رژیم را فراهم آورد که نمونه ی آن را می‌توان در حزب مشارکت اسلامی و نوع رادیکال اش را در اکبر گنجی، عبدالله نوری و ... دید.

با طی کردن روند مذکور، زمینه برای ایجاد ارتباطات بیشتر و وسیع تر مردم و به خصوص جوانان مهیا شد که نتایج فوری آن رشد ناگهانی آگاهی (البته تا سقفی معین!) و پیرو آن پدید آمدن جوی پر شور و سرشار از هیجان در میان جوانان و به خصوص دانشجویان بود.

با بالا گرفتن مطالبات سیاسی جوانان، نیاز به کنترل آن‌ها توسط رژیم روز به روز بیشتر حس می‌شد. در این جا رژیم تجربه ی کشورهای با سرمایه داری متعارف را به کار بست و نهادهایی دولتی

تحت عنوان "انجمن های غیر دولتی" را به وجود آورد.

این انجمن ها در سال های پایانی دهه ی هفتاد (از ۱۳۷۶ به بعد) و سال های آغازین دهه ی هشتاد، کارکردی جز تخلیه ی پتانسیل عظیم جوانان را نداشت و عملاً جنبش دانشجویی موسوم به ۱۸ تیر و جوانان سیاسی شده را رو به استحاله برد.

پس از گسست و نا امید شدن جوانان و دانشجویان از فرمیسم و اصلاحات، بسیاری از آنان رو به چپ و سوسیالیسم آوردند.

این افراد، پس از دگر دیسی و چرخش به چپ خویش، هنوز مقداری از میراث دوم خرداد و اصلاح طلبی را که ما آن را خصلت های فرمیستی می نامیم، با خود داشتند.

یکی از این خصائص میل به کار انقلابی علنی! و تأسیس یا شرکت در انجمن های غیر دولتی بود.

در این مقاله سعی بر آن است تا به خوانندگان اثبات شود که این قبیل انجمن ها به دلیل آنی که نهادهایی بورژوایی محسوب می شوند ظرفیت کار انقلابی را در خویش ندارند و تلاش برای ترویج آن ها، عملاً حرکت به عقب است نه جلو!

بی شک این انجمن ها تحت کنترل و نظارت شدید دولت بورژوایی قرار دارند (آن هم از نوع مستقیم!) و دقیقاً به همین دلیل است که چنین تشکیلاتی یک ظرف بورژوایی محسوب می شود..

نهایت رادیکالیسمی که می توان در این قالب دید، جمع خوانی یا بازخوانی برخی متون کلاسیک مارکسیستی ماند کاپیتال و... است.

نکته ای که در این جا کمی نیاز به توجه دارد، نوع متون انتخاب شده و همچنین روش خوانش آن است. بی شک تمامی آثار انتخابی به شکلی هستند که بتوان خوانشی کاملاً آکادمیک و روشنفکرانه (و نه انقلابی) از آن ارائه داد.

به عنوان مثال، مطرح کردن بحث های کتاب هایی مانند کاپیتال، منشأ

خانواده و... در حال حاضر ضرورتی برای طبقه ی کارگر ندارد. آن چه که نیاز فوری و امروزی کارگران ایران است، نیاز به متشکل شدن و تلاش برای ایجاد حزب پیشتاز طبقة است.

بی شک این مفاهیم در آثاری همچون کاپیتال یافت نمی شود و برای مطالعه در مورد مباحثی از این دست، باید به آثار لنین رجوع کرد.

آیا اینان چنین می کنند؟ آیا انجمن مذکور ظرفیت انجام چنین کاری را دارد؟

بدیهی است که پاسخ این سوالات منفی است!

نتایج عملی چنین برنامه و تاکتیکی، غافل کردن جوانان سوسیالیست از برنامه ها و کارهای انقلابی، و پرداختن به یک سری حاشیه کاری ها است.

چنانچه این امر اشاعه پیدا کند، نه تنها روند گسترش سوسیالیسم انقلابی و رادیکالیسم پرولتاری در میان جوانان قطع خواهد شد، بلکه از این نیز فراتر رفته و کسانی که نقداً سوسیالیست هستند را، تبدیل به اصلاح طلبان و فرمیست هایی خواهد کرد که به تنها چیزی که نمی اندیشند انقلاب است!

با همه ی این اوصاف، به عقیده ی نگارنده، مباحث مطرحه در بالا نکاتی نیستند که این دست جریانات از آن مطلع نباشند یا درک نکنند! بلکه دلیل تلاش بی وقفه برای رشد چنین انجمن ها و خرده کاری های متعاقب آن، نوع تفکر فرمیستی این گرایش ها است.

تفکری که به انقلاب سوسیالیستی (به مفهوم حقیقی کلمه، انقلابی اجتماعی و آگاهانه) اعتقاد ندارند، دیکتاتوری پرولتاری را نمی شناسد و سخنی از آن به میان نمی آورد، تفکری که بر اساس آن، سازش با بورژوازی هیچ اشکالی ندارد و پیروان آن می توانند برای حفظ شیرازه ی مدنیت و یا هر دلیل واهی دیگر در دولت بورژوایی (فرقی نمی کند دولت حاصله از حمله ی نظامی امریکا باشد یا اصلاح طلبان درون

رژیم و یا حتی سلطنت طلبان!) شرکت داشته و در سرکوب کارگران (باز هم به بهانه ی حفظ همان شیرازه!) نقش داشته باشند.

این جریانات در صدد هستند که به دور خود (و به قول خودشان) سیاهی لشکرهایی را جمع کنند. واضح و مشخص است که یک سیاهی لشکر تشکیلاتی به درد تنها کاری که می خورد، شرکت در انتخابات است. انتخاباتی که می تواند از نوع رفراندم باشد!

این است برنامه ی چنین احزاب و جریانات قیم مآبی که همواره سعی دارند کفیل و پدرخوانده ی طبقه ی کارگر باشند.

زنده باد سوسیالیسم
ناپود باد فرمیسم
مرگ بر سرمایه داری

مهرداد بختیاری
مهر ۱۳۸۴

اتحاد عمل سوسیالیستی، راهکار جنبش دانشجویی!

ادامه از صفحه ۱

همان طور که در بالا نیز اشاره شد، هستند برخی از تشکل ها و نشریات دانشجویی که دارند شان به شان ی سکتاریسم حرکت می کنند. این دست گرایشات (اگر بشود نام همه ی آن ها را گرایش گذاشت!) به دلیل این که زمانی، عملاً، پیشروی جوانان به حساب می آمدند و با انتشار برخی نشریات در چهارچوب نظام سرمایه داری، بعضی مسائل کلی را مطرح می کردند، حق رهبری جنبش را

وجود هنر، در حقیقت یکی از نشانه های نخستین تکامل انسان اولیه در مقایسه با پدران ماقبل انسان خود است. این موضوع بالاخص در پی اکتشافات اخیر باستانشناسی از ابزار تولید میمون های ماقبل انسان (مانند نآندرتال)، مطرح و به بحث گذاشته شده است. این ابزار بی شک در رشته زیبایی شناسی از ارزش و کیفیت قابل ملاحظه ای برخوردار است. البته آنچه ما در اینجا داریم هنر نیست، که چنینی است که هنر از آن می توانست رشد و پیشرفت کرده باشد.

ادامه دارد

به اعتقاد ما، تنها عاملی که می تواند مانع ظهور و پیروزی این اتحاد عمل شود، فرقه گرایی و فرصت طلبی جریانات مورد بحث است. فرقه گرایی یا سکتاریسم اجازه ی شکل گیری اتحاد عمل را نمی دهد و فرصت طلبی توان به سرانجام رساندن آن را سلب می کند.

همین فرقه گرایی است که، هم اکنون، به طبقه ی کارگر اجازه ی متشکل شدن را نمی دهد، سکتاریسمی که توسط عده ای از، به اصطلاح پیشکسوتان، جنبش اعمال می شود. بی شک اگر این موضوع به جنبش دانشجویی نیز تسریع پیدا کند، باعث فلج شدن و حتی پسرفت آن خواهد شد.

زنده باد سوسیالیسم!
برقرار باد اتحاد عمل سوسیالیستی!
نابود باد فرقه گرایی!
مرگ بر سرمایه داری!

هنر و مبارزه طبقاتی

سخنرانی آلن ووندر در ماه ژوئیه ۲۰۰۱
برای کلاس تابستانی در بارسلون

این اولین بار است که ما چنین موضوعی را در سطح بین المللی به بحث میگذاریم. پس شاید برای بعضی کمی توضیح به جا باشد. از نظر بعضی، هنر در درجه دوم اهمیت قرار دارد و موضوع مهمی نیست. در حالی که عملاً یکی از جوانب اساسی در شرایط انسانی است؛ آنقدر اساسی که دانشمندان رشته انسان شناسی معتقدند که با استفاده از هنر میتوان نسل آدمیزاد را از ابتدای پیدایش به بیان در آورد.

برای همیشه حق مسلم خود می دانند.

این رفقا باید درک کنند که رهبری جنبش در انحصار هیچ فرد یا گروه خاصی نیست و به عبارت بهتر نمی تواند و نباید باشد!

امروزه، با بازتر شدن فضای سیاسی کشور نسبت به دهه ی شصت و اوایل دهه ی هفتاد (۱۳۶۰-۱۳۷۶) که به دلیل ادغام تدریجی ایران در بازار جهانی سرمایه و قرار گرفتن در پروسه ی جهانی سازی سرمایه (گلوبالیزاسیون) می باشد؛ و همچنین نا امید شدن و گسست بسیاری از جوانان از رفرم و اصلاحات، ما شاهد شکل گیری تشکل ها و نشریات دانشجویی متعددی در کشور هستیم. تشکل ها و نشریاتی که دارای افکار و خط مشی های گاهاً متضاد نیز می باشند.

به زعم ما، با وجود اختلاف های بسیار تنوریک و پراتیک، این جریانات دارای اهداف مشترک بسیار با یکدیگر هستند که می توانند برای تحقق این اهداف مشترک، اتحاد عملی را، همراه با هم، پایه گذاری کنند. به عنوان مثال، همه ی جریان های چپ دانشجویی در ایران، خواهان آزادی زندانیان سیاسی، پایان بخشیدن به سرکوب آزادی خواهان، بهبود وضعیت معیشتی کارگران از طریق افزایش دستمزدها منطبق با افزایش نرخ تورم، اعطای ایجاد حق تشکل آزاد کارگری و اعتصاب به کارگران و.... هستند.

این جریانات بی شک می توانند با رعایت حق گرایی و دیگر حقوق دموکراتیک، بدون آن که به یک فرقه میدل شوند، در اتحاد عملی برای نیل به این اهداف تلاش کنند. مسلماً این کار بهتر از هدر دادن وقت و تلاش های بیهوده در ظرف های بورژوایی مانند NGO است!

جوان سوسیالیست



نشریه اتحادیه جوانان
سوسیالیست انقلابی ایران

<http://www.javaan.net>
javan1378@hotmail.com

شماره ۲۶
آبان ۱۳۸۴